زمان و حرکت در آثار تجسمی

ترجمهٔ
طاهره کریمی

درک و خلاقیت تصویری یا فقدان آن، در کیفیت هنرهای تجسمی و آثار تصویری و حجمی، عامل فوق‌العاده مؤثری است که هنرمند می‌تواند برای خلق اثر خویش آن را به کار گیرد و بی‌تردید در صورت پختگی هنرمند ابزارها و نشانه‌های بکارگیری آن برای او مشخص‌تر و شناخته شده‌تر شده و شمارشان فزونی می‌یابد. اما هنرمند هر قدر هم که ماهر باشد به وجود آوردن یک نقاشی که دقیقاً مشابه صحنه واقعی باشد غیرممکن است. به یک دلیل ساده:

دنیای ما هیچ وقت ساکن نیست. در هر لحظه، گذشت زمان احساس می‌شود. اما بعضی از کارهای هنری بیشتر از آثار دیگر با زمان و حرکت سروکار دارند و به بیان دیگر، نشان دادن گذر زمان و حرکت از اهداف مهم آن آثار و هنرمندان آنهاست.

مصریان قدیم بدون شک در مباحثات هنری در پی کشف معمای زمان و حرکت بوده‌اند. در فرهنگ مصر و در خیلی دیگر از فرهنگ‌ها همیشه این تصور وجود داشت که هنر تصویری فاقد عناصر زمان و

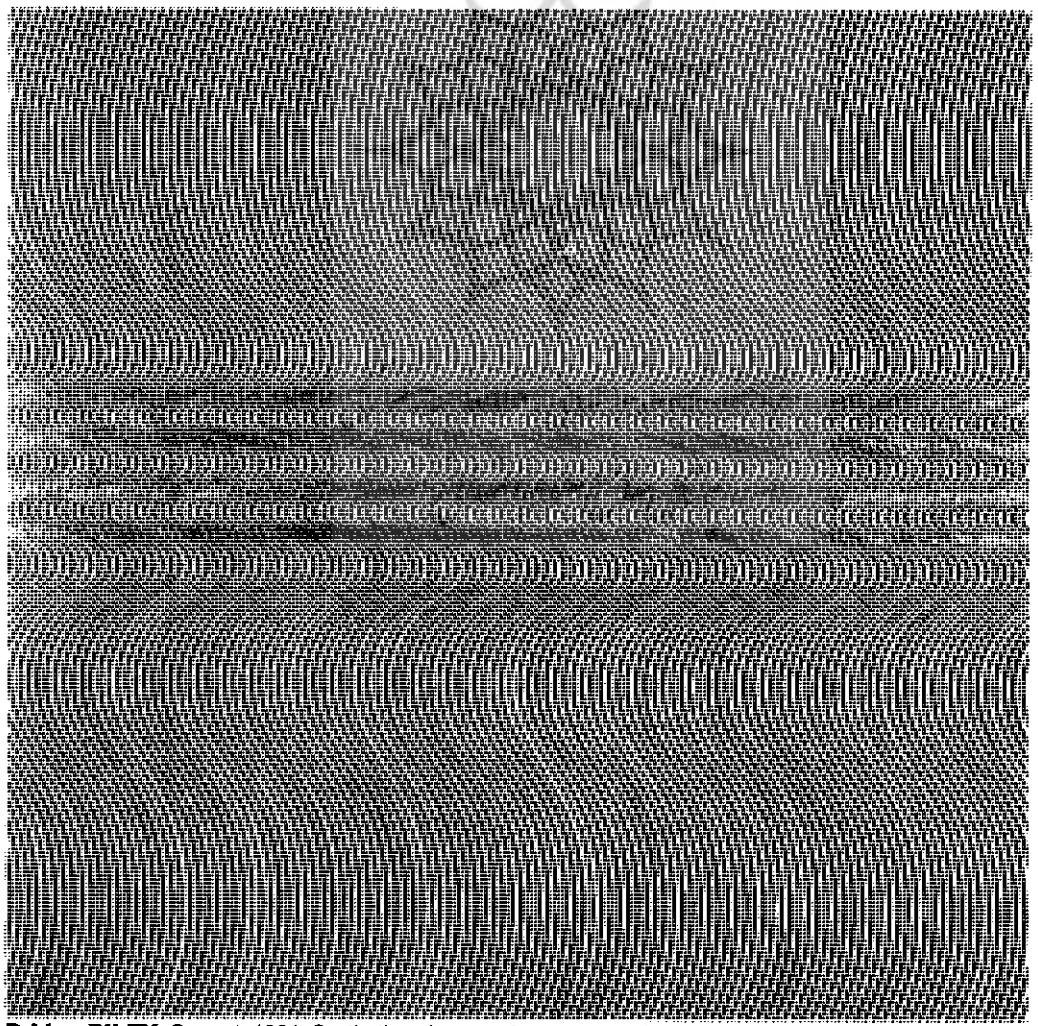

Bridge RILEY, Current, 1964, Synthetic polymer paint on composition board

حرکت است. دنیای خود ما به طور قابل ملاحظه‌ای پویا و دینامیک است. بیشتر ما به ویژه در کشورهای صنعتی، ذهنمان درگیر زمان است و حرکت یک عامل و فاکتور در زندگی روزمره ما به شمار می‌رود. هر دو عامل زمان و حرکت باید به عنوان عناصر مهم هنری تلقی شوند؛ اگر معتقد هستیم که آثار هنری در روند زندگی معاصر ما نقش کارسازی دارند.

■ گذشت زمان

در هنر سه‌بعدی به خصوص هنر مجسمه‌سازی و معماری، زمان همیشه یک عنصر است. در واکنشهای بیننده، هنگامی که دور یک ساختمان یا مجسمه قدم می‌زنید، نقطه دید شما با هر لحظه‌ای که می‌گذرد عوض می‌شود. معمولاً شما نمی‌توانید تمام جنبه‌های سازه را در آن واحد یا در یک لحظه تجربه کنید و مجبورید نقاط مختلف دید را جمع‌آوری و سرهم کنید تا دید کلی‌ای از آن به دست آورید. این مقوله در مورد بسیاری از مجسمه‌های معاصر به ویژه تندیس‌ها و سازه‌های دارای فضاها و حجم‌های خالی و سطوح مرکب، بیشتر صدق می‌کند و مجسمه‌های هنرمندی چون «لوئیز نولسون» از آن جمله‌اند.

یک عکس از مجسمهٔ «شهر روی یک کوه بلند» City on a high mountain ساخته نولسون، فقط یک جهت و نقطه دیدی واحد از آن را به ما نشان می‌دهد ولی مسلماً این منظور سازنده مجسمه نبوده و این کار به منظور نمایش در بیرون درست شده و خیلی بزرگ و عظیم است؛ بیشتر از ۲۰ فوت ارتفاع دارد و عریض‌ترین قطرش ۲۳ فوت است. نولسون طوری آن را طراحی کرده که از هر زاویهٔ دیدی، جالب باشد. یک دور کامل اطراف مجسمه و مطالعهٔ جوانب مختلف آن، ترکیب‌ها و تلفیق‌های مختلفی از شکل، خط، فضا، بافت و نور را ارائه می‌کند. با اینکه این مجسمه رنگ تیرهٔ مایل به سیاه زده شده انگاره‌های نور و سایه با گذشت زمان رنگ‌ها و تیرگی‌های رنگی مجزایی ایجاد می‌کنند. زمانی که یک نفر اطرافش حرکت می‌کند یا حتی زمانی که خورشید در عرض آسمان می‌گذرد همین رنگ‌ها بر سطوح مجسمه به وجود می‌آید.

■ حرکت واقعی

در آثار نولسون و همین طور در خیلی از کارهای هنری دیگر، زمان یک فاکتور است؛ برای اینکه بیننده در اطراف مجسمه در حرکت است. در مواردی نیز خود حرکت در هنر به کار برده می‌شود یکی از کسانی که وجود حرکت مخصوصاً در کارهایش به کار برده شده است «جرج ریکی» است. در مجسمه ریکی «بنام جفت L نامتقارن چرخان» Double L Excentric Grratory شکل شی از حرکتی که به وسیله شی ایجاد می‌شود اهمیت کمتری دارد. این مجسمه، تندیس تقریباً متقارنی است که بر بلندای منظره‌ای ساخته شده است. دو تا بخش یا بالهٔ L شکل آن به حالت ثابت تعبیه شده ولی حرکات تفسیری به وسیله باد در آن‌ها ایجاد می‌شود. تعادل این باله‌های غیرمتمرکز، آنها را پذیرای هر جریانی می‌کند و ملایم‌ترین نسیم‌های تابستان آن‌ها را به حرکت در می‌آورد. آنها به نوعی با محاسبه و مقاوم طراحی و ساخته شده‌اند؛ حتی در برابر بادهایی با سرعت ۸۰ مایل در ساعت آسیبی نبینند. هیچکس نمی‌تواند پیش‌بینی کند که این باله‌های L شکل مرتعش، در هر

Louise NEVELSON, City on a High Moutain 1983, Black painted steel

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

●همانطور که هنرمندان برای مدت زیادی سعی کرده‌اند تصور عمق و فضای سه‌بعدی را روی یک صفحه صاف و دوبعدی به وجود آورند، بعضی‌ها هم سعی کرده‌اند که تصور حرکت و عمق را به انتخاب خود در جایی که حرکت وجود ندارد به وجود آورند.

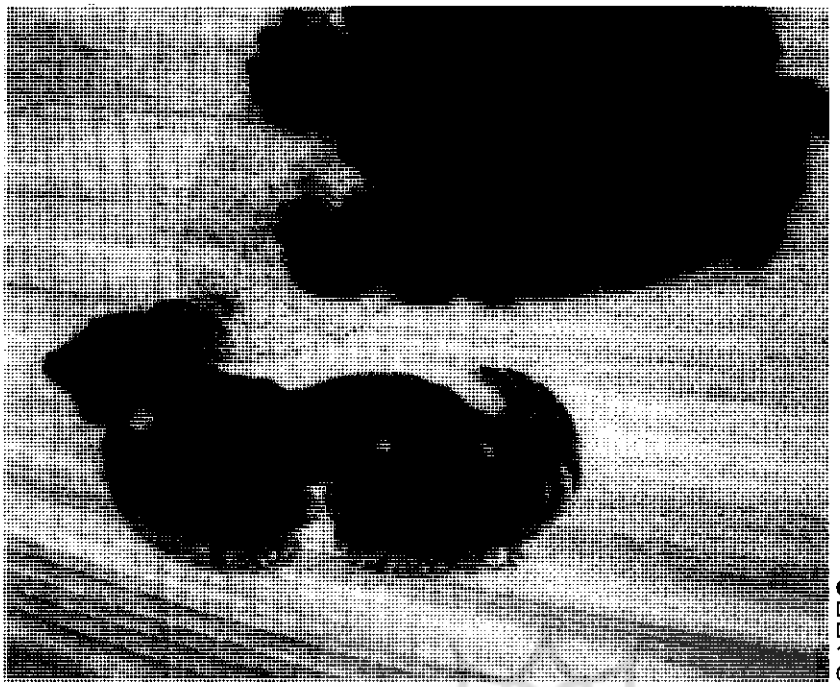

Giacomo BALLA, Dynamism of a Dog on a Leash, 1912, Oil on canvase

George RICKEY, Double L Excentric Gyratory II, 1981, Stainless steel

لحظه و در برابر هر وزش بادی که بر آنها می‌وزد، چه شکلی خواهند گرفت. صفحه‌های براق آن، نور را به اطراف منعکس می‌کنند و انعکاس نور از سطح آن‌ها تشعشعات رنگین متغیری به وجود می‌آورد.

■ تصور حرکت

همانطور که هنرمندان برای مدت زیادی سعی کرده‌اند تصور عمق و فضای سه‌بعدی را روی یک صفحه صاف و دوبعدی به وجود آورند، بعضی‌ها هم سعی کرده‌اند که تصور حرکت و عمق را به انتخاب خود در جایی که حرکت وجود ندارد به وجود آورند. از جهتی نیز بعضی از کارهای هنری طوری طراحی شده‌اند که ساکن و بی‌حرکت باشند و احساس حرکت در این‌گونه کارها به منظور هنرمند لطمه خواهد زد. تابلوی «پیکر انسان» (۱۹۲۸) اثر والادن و آثار خیلی از هنرمندانی که بر سکون و ایستایی مدل تاءکید دارند، از این مقوله است. در موارد دیگر تصوری از حرکت کمک به موفقیت کار می‌کند تابلوی «قایق مدوسا» The Raft of the medusa اثر «جری فالت» تصوری از حرکت را به وجود می‌آورد. مثال‌های زیادی از این حالت می‌توانیم پیدا کنیم. در واقع در طراحی گوستاو کلیمت، تصور حرکت به وسیله تکرار نمونه‌های مارپیچی چرخان ایجاد شده و این یکی از مهمترین عناصر ترکیب‌بندی و عامل ابراز منظور هنرمند است. این مساءله در مورد کارهای تخیلی، بیشتر صدق می‌کند. تابلوی «رودخانه» Current «بریجت رایلی»، نمونه شناخته شده، «آپ

آرت» که مضمون آن ایجاد تصور حرکت به وسیله عناصر بصری است، یک پاسخ صریح به وسیله شبکیه چشم به خطوط و رنگهایی است که به روش خاصی چیده شده است. خطها در این نقاشی به طور دقیقی روی بوم رسم شده‌اند اما وقتی به آنها نگاه می‌کنیم به نظر می‌رسد آنها به حالت مواجی دارند حرکت می‌کنند و کل نقاشی واقعاً متحرک به نظر می‌رسد. شاید بعضی از بیننده‌ها با تماشای این تابلو بعد از گذشت زمان طولانی که در جلوی تابلو بوده‌اند گیج شده باشند یا حتی حالت تهوع به آن‌ها دست بدهد و این تابلو تاءثیر ژرفی روی سیستم حسی و عصبی انسان دارد.

تابلوی «حرکت سگ بر روی ریسمان» Dynamism of a Dog a leash (۱۹۱۲) اثر «جاکوموبالا» روش دیگری را برای ابقای حرکت عرضه می‌کند. بالا عضو گروه فوتوریست بود که در دهه دوم این قرن در ایتالیا پیشرفت زیادی داشتند. یک اقدام مهم فوتوریسم (در طول عمر کوتاهش) همانطور که از اسمش پیداست نفی فرم‌های کهنه‌ای بود که سکون را مورد توجه قرار می‌دادند؛ یعنی به نفع شکلهایی که حرکت و انرژی را نشان می‌دهند. در تابلوی بالا شکل سگ، قلاده و صاحب سگ تیره و درهم شده و با تکرار پاها، دم و قلاده تحرک آنها را در بوم نشان می‌دهد. هنگامی که ما به این نقاشی نگاه می‌کنیم تقریباً مطمئن می‌شویم که دم سگ تکان می‌خورد و پاهای کوچکش روی زمین کشیده می‌شود. بعضی‌ها با این عناصر و کیفیت ابزارهای اثر هنری مشکل دارند. این افراد آنها را جدا از هم بررسی می‌کنند، از هم جدایشان کرده و دوباره کنار هم قرار می‌دهند؛ مثل جور کردن یک پازل. این بی‌تردید در ارتباط مخاطب و منتقد با اثر هنری، گره‌ها و مشکلاتی را به وجود می‌آورد.

بنابراین ما نمی‌توانیم بپذیریم که این عناصر هنری به طور جداگانه مورد بحث قرار گیرند، در صورتی که نظر عقلانی و کاملاً واقع‌بینانه وحدت و یکپارچگیَ آنها را لازم و مبرم می‌داند. به عبارت دیگر، اگر ما می‌خواهیم زمان، حرکت یا مقولاتی از این قبیل را در آثارمان نشان دهیم مواظب آن باشیم که عناصر دیگر تابلو به ویژه ارتباط‌ها و هماهنگی آنها به هم نخورد و موقع بررسی و نقد اثر نیز یکی از جنبه‌های زیباشناختی یا اصول تکنیکی آن را در نظر نگیریم. به هر حال ارتباط مستمر و بررسی همه جانبه عناصر یک اثر، نگرش هوشمندانه، سیستماتیک و آگاهانه‌ای در ما ایجاد می‌کند که با توجه به آن آگاهی ما می‌توانیم بفهمیم چرا یک کار هنری را دوست داریم و دیگری را دوست نداریم.

■ سینماتورهای ۶۱ میلیون پوندی ایران در پاریس

نمایشگاه بزرگی از شاهکارهای هنر اسلامی در پایتخت فرانسه گشایش یافت.

در این نمایشگاه با ترتیبی نقاشی ایران در قالب سینماتور، همراه با آثار ارزشمند دیگری پیرامون هنر دوران اسلامی که از مراکز و موزه‌های معتبر اقصی نقاط جهان جمع آوری و تاکنون نمایش داده نشده است، در معرض دید عموم علاقمندان قرار گرفت.

این [illegible] مربوط به گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران بوده و از آثار هنرمندان مینیاتوریست برجسته زمان صفویه با قدمتی حدود ۴۰۰ سال به حساب می‌آید که در سال ۱۳۶۳ همراه با [illegible] دیگر در آرای تحویل تابلو این شماره ۳ اثر نگونیگاه و برخی آثار دیگر که در ایران نمایش تشخیص داده شده بودند به کشور بازگردانده شده است.

بر اساس همین گزارش، به دنبال درخواست رسمی مرکز فرهنگی جهان عرب پاریس و کسب مجوزهای لازم از مسئولان مربوط، این آثار قیمت‌گذاری و بیمه معنوی به مبلغ ۶۱ میلیون پوند توسط شرکت ARA ART انگلیس و همچنین دولت فرانسه، به مناسبت سفارت این کشور در تهران تحویل و متعاقباً به موزه پاریس ارسال شده است. این نمایشگاه که با عنوان «سنت در فرهنگ اسلامی» به مدت پنج ماه دایر خواهد بود به نمایش آثار مینیاتوری از ایران همچون دیگر سفرای آشتی و دوستی شمن کاوه‌ای به دست ریشه‌ها شب گرفتن سهراب و گردآفرید، جمشید، بهرام چوبین به ارتفاع حسن‌پور و [illegible] که نقش شب به وضوح در آنها ترسیم شده است، اختصاص دارد.

گفتنی است وجود شیخ [illegible] از کتب دستنویس هنری و [illegible] فرهنگی از موزه هنری سایر کشورها و همچنین انتخاب آثار هنری موجود [illegible] چون اسب به عنوان نشانه قدرت و [illegible] شخصیتی در [illegible] و تاثیر آن بر هنر و فرهنگ شرق از جمله ویژگیهای این نمایشگاه به شمار می‌آید.